

واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی

زبان‌های فارسی و انگلیسی هردو به دسته زبان‌های آریایی (ویا به اصطلاح هندواروپایی) تعلق دارند. به همین دلیل واژه‌های مشابه بسیار میان دوزبان دیده می‌شود. اما علاوه بر این واژه‌ها ی پایه و همانند مثل مادر، برادرپدر، کلمات بسیاری هم دردوره‌های بعدی تاریخ از زبان مردم ایران وارد زبان انگلیسی شده است. بعضی از این واژه‌ها از زبان‌های اوستایی و پهلوی و فارسی باستان و برخی واژه‌ها از زبان‌های سومری و ایلامی و غیره و بعضی دیگر از زبان‌ها و گویش‌های دیگر سرزمین ایران مثل آذری، کردی و بلوچی به زبان انگلیسی راه یافته‌اند. در این مقاله نموداری از تأثیرات زبانه‌های ایرانی بر دیگر زبان‌های اروپایی از جمله زبان‌های یونانی، لاتین، فرانسه، و آلمانی که در انگلیسی تأثیر بسیار نهاده‌اند ارائه شده است.

گلها، گیاهان و محصولات کشاورزی:

در روزگاری که سراسر اروپا یخ بندان بود، فلات ایران سرزمینی خرم به شمار می‌رفت و کویر لوت امروز به گونه دریائی با حاشیه‌های پر از درخت از زیبا ترین مناطق کره زمین محسوب می‌گردید. پس از تغییرات جوی و زمین شناسی، کم کم مراکز ایران کنونی روبه خشک شدن نهاد و بالعکس اروپا به سرسبزی و خرمی گرایید. شاید به همین علت اقوام ساکن فلات ایران و پیرامون آن در آغاز تمدن از پیروان کشاورزی بوده‌اند. در این مورد بررسی از نویسندگان انگلیسی مثل هنری فیلد تصریح دارند که ایران از نظر کشاورزی بر اروپا تقدم داشته و از بابت پرورش گیاهان دارویی و گل‌های زینتی و زیبا کمک‌های برجسته‌ای به تمدن بشری نموده‌است. از همین روست که نام واژه‌های ایرانی رابه فراوانی در وصف گل‌ها و گیاهان در زبان انگلیسی می‌یابیم؛ نمونه‌ها:

jasmin یاسمن: این واژه به گونه **jessamin** هم به کار رفته است. علاوه بر زبان انگلیسی، در زبان فرانسه به صورت **jasmine** (ژاسمن)، در آلمانی یاسمین، در ارمنی یاسمیک، در ایتالیایی **Glesomin**، در لاتین **Gelsiminum** و در بسیاری زبان‌های دیگر با تغییرات اندک تلفظ می‌شود. در زبان ترکی و شاخه‌های آن به صورت **jasmine** به کار می‌رود. واژه یاسمن نام زیبایی برای زنان و دختران به شمار می‌آید.

Narcosis نرگس: این واژه در عربی به صورت نرجس، در لاتین و روسی **Narcissus** تلفظ می‌شود. در آلمانی **Narcisism**، در ارمنی نارگیس و در ترکی نرجس و نرگس به کار می‌رود. واژه **Narscicism** در زبان انگلیسی یا خود ستانی که کنایه از زیبایی است، هم از این واژه ساخته شده است. در زبان فارسی چشم مست رانرگس مست هم نامیده‌اند.

Pistacchio پسته: این واژه علاوه بر زبان انگلیسی در غالب زبان‌های اروپایی با اندکی تغییر به صورت پسته، پستاجیو به کار می‌رود و در زبان ترکی نیز چنین است.

Rose رز: اصل این کلمه ورد پهلوی است که دگرگونی یافته و به ورد عربی از یک طرف و رز **Rose** لاتین و اروپایی از طرف دیگر تبدیل شده است. در انگلیسی، فرانسه و آلمانی **Rose** در فنلاندی **Russuo** و در غالب زبان‌های اروپایی با اندکی تفاوت دیده می‌شود.

Susan - سوسن: اسم زن و دختر است. سوزان همان کلمه فارسی سوسن (نام گل) است که به زبان‌های خارجی راه یافته است.

Sugar شکر: از کلمات کمیابی است که خود اروپائیان نیز تصریح به ایرانی بودن آن دارند. در انگلیسی شوگر، در فنلاندی **Sokeri**، در ترکی شکر **Seker**، در آلمانی **Zucker**، در فرانسه **Sucre**، در عربی سکر، در روسی ساخار و در مجاری **Cukor** سوکور دیده می‌شود.

Pepper این واژه از فلفل ایرانی گرفته شده است. این واژه به گونه **Piper** در لاتین، معتقدند اصل کلمه آرامی است که باز هم زبان بخش بزرگی از ایران بوده و در دوران

هخامنشی یکی از زبان‌های رسمی ایران محسوب می‌شده است .

Spinach اسفناج: این واژه ایرانی در زبان‌های دیگر به صورت گوناگون یافت می‌شود، از جمله در فنلاند **Pinatia** پیناتیا، در انگلیسی و فرانسه **Spinach** و در زبان‌های دیگر اروپایی کم و بیش با تغییراتی کاربرد دارد. جالب این است که بدانیم اسفناج خود معرف سپاناج فارسی است و در فرهنگ‌های کهن عربی چون " البلغد " ابو یعقوب کردی نیشابوری و " السامی فی السامی " میدانی نیشابوری، به همین صورت آمده است .

Candy کلمه قند واژه‌ی است پارسی، همان‌طور که شکر واژه‌ی است ایرانی. پس از ساخته شدن شکر در ایران که به اعتراف عمومی ریشه آن ایرانی و فارسی است ، کلمه قند به همین نام به وجود آمد. کم و بیش ریشه‌های مشابهی مثل کندو را در زبان فارسی می‌یابیم. یکی از واژه‌های انگلیسی که ریشه مشابهی با قند دارد عبا رتست از **Candy** : شیرینی). زیرا شیرینی ولذت در این واژه با کلمه قند سنجیده شده است .

به گفته محمود بختیاری، کاندیدای وکالت در زمان قدیم لباس سفید رنگ شکر می‌پوشیده و به همین ترتیب خود را نامزد انتخابات می‌کرده و بدین رو واژه **Candidate** کاندیدا، نامزد) ساخته شد .

Cauliflower - kale به معنی کلم است. با توجه به شباهت این ریشه‌ها امکان دارد این واژه‌ها هم ریشه ایرانی داشته باشند .

Nuphar نیلوفرزرد ، – **Nenaphar** نیلوفر زرد؛ نام گل زیبای نیلوفر است که در زبان‌های دیگر اروپا از جمله فرانسه- یونانی و ترکی دیده می‌شود .

Orange نارنج و ترنج در پارسی کهن به نارنج و پرتقال اطلاق می‌شده‌اند؛ در فرانسه **Orange**، در ژاپنی **Orenzi** و در زبان‌های ترکی، کردی، آسوری و بسیاری از زبان‌های دیگر دنیا ریشه دوانیده است .

Rubart ریواس: اصل این واژه رواند و ریواس (ریواس) است . واژه‌های مشابه در زبان‌های دیگر از جمله ایتالیایی ، فرانسه، انگلیسی و ترکی دیده می‌شود .

Ginger زنجبیل: در زبان انگلیسی؛ **Zenzero** ایتالیایی

Lemon لیمو: ریشه لیمو در غالب زبان‌های دنیا از جمله ترکی؛ اسپانیولی، ایتالیایی، زبان‌های اسکاندیناوی و روسی به کار می‌رود. نیز کلمه **Limo nade** که از لیمو گرفته شده است **Lemon drop** ، آب نبات ترش ، **Lemon joic** آب لیمو و غیره .

Botanic کلمه بوته که ریشه‌ی پارسی واصل است. در زبان‌های اروپایی به گونه (علم گیاه‌شناسی) ریشه دوانده است . و به نظر می‌آید که لفظ **Pon** فنلاندی نیز کوتاه شده آن باشد. در زبان ترکی نیز واژه بوته را داریم. واژه **Botanic** تقریباً بین‌المللی است و در تمام زبان‌های اروپایی، سوئدی، نروژی، فرانسه ، آلمانی و روسی به کار می‌رود .

Silk ابریشم: این واژه انگلیسی و **Soie** سوئی (فرانسه، سیرا، عربی، سیراج، حبشی، از واژه فارسی سره گرفته شده‌اند. به خوبی می‌دانیم که ایران یکی از مراکز مهم پرورش کرم ابریشم بوده است. و اگرچه چین هم مرکز عمده تولید ابریشم به شمار می‌آمده اما این واژه از راه ایران به اروپا رخنه کرده است .

Saffron زعفران: نیز واژه بین‌المللی گردیده و در تمام اروپا کاربرد دارد .

Garden باغ: این ریشه ایرانی است. زیرا در روستاهای ایران واژه کرت که در حقیقت با غچه‌های مخصوص مو و سایر درختان می‌باشد، به کار می‌رود. در گویش کرمانی، گارت به جوی‌های که در آنها درخت خرما کاشته می‌شود و صورت باغ کوچکی را می‌یابد اطلاق می‌گردد. از همین ریشه **Garten** آلمانی **Jarten** ژاردن فرانسه را باید به خاطر سپرد .

Tree مقایسه واژه‌های **Tree** انگلیسی، درو روسی و دارو درخت فارسی نشان می‌دهد این ریشه‌ها نیز همانندی دارند. اما به نظر می‌رسد که این کلمه پایه باشد

نام جانوران و حشرات:

توجه به نام‌های حیوانات و حشرات نشان می‌دهد که در این زمینه هم انگلیسی از زبان‌های ایران و به ویژه پارسی متأثر بوده است.

Elephant - فیل : دگرگون شده الفیل عربی است که ریشه آن پیل پارسی است. در تورانی هم ریشه‌های فیل و پیل هر دو دیده می‌شود.

Sponge - اسفنج : جانوری دریایی است، ضمناً این نام به اسفنج مصنوعی هم اطلاق می‌شود که مصارف صنعتی و پزشکی دارد. ریشه اسفنج در زبان‌های اروپایی به گونه **Sponge** انگلیسی، **Espange** فرانسه و در زبان ژاپنی به صورت **Suponji** به کار می‌رود.

Carcass - لاشه و مردار : جابه‌جا شده کرکس است که پرنده‌ای مردارخوار می‌باشد. شاید در دوران رواج آیین زرتشتی که جنازه‌ها را در معرض هوای آزاد در کوه‌ها قرار می‌دادند و عملاً هر جنازه خوراک کرکس می‌شد، این واژه با لاشه و مردار مترادف شد.

Bees - زنبور : در برهان قاطع، **Booz** به زنبور سیاهی که روی گل می‌نشیند اطلاق می‌گردد. اما آیا ریشه اولیه مشترک است یا از زبان فارسی به انگلیسی راه یافته جای تحقیق دارد.

Cow - گاو: اگرچه در مقایسه واژه‌های **Cow** انگلیسی، گاو فارسی و **Ceush** اوستایی به نظر می‌رسد این واژه از کلمات اولیه و پایه زبان‌های هند و اروپایی باشد. از آنجا که در زبان لاتین ریشه‌ای شبیه **Cow** وجود ندارد و در زبان سومری گاو را **gu** و **gud** می‌گویند، احتمال زیادی وجود دارد که ریشه این کلمه سومری یا سومری اوستایی باشد.

Colt - کره‌اسب : واژه **Colt** با کره خیلی شبیه به نظر می‌رسد. به علاوه نام کوله که نوعی اسب بوده است در پارسی، ترکی و مغولی دیده می‌شود که با کلمه کره بی‌شباهت نیست.

برخی دیگر از واژه‌های انگلیسی که شباهت آشکار به فارسی دارند، عبارتند از :

Duck با اردک فارسی، ترکی، کردی و لری

Goose با غاز فارسی، اوز عربی، غاز ترکی و کردی

Dog با سگ

Mouse با موش فارسی (موگ ارمنی)

Camel شتر و **Camelot** - شتر كوچك از جمل عربي گرفته شده است.
Giraffe همان ريشه زرافه فارسي است.
Canary قناري
Jackal شغال
Bavri سگ آبي كه اوستايي است و ريشه مسترك با **Beaver** انگليسي دارد.